

اخوان المسلمین در عراق

انور ابراهیمی^۱

چکیده:

بنیادگرایی اسلامی یا به عبارتی دیگر بیداری اسلامی فرایندی است که از اواخر قرن ۱۹ در میان اندیشمندان و متفکران دینی و اسلامی ظهور پیدا کرد. فرایندی که به دنبال فرو پاشی امپراطوری عثمانی و فرو افتادن خلافت اسلامی و دخالت دول بیگانه و استعمارگر در کشورهای اسلامی در جهت استثمار و استعمار این کشورها و کم رنگ کردن وجه دین و آیین و فرهنگ اسلامی مسلمانان شکل گرفت. این فرایند سرآغازش سیدجمال الدین بود و سپس در قالب جنبش اخوان به شکل یک حزب و گروه اسلامی رسمیت پیدا کرد. و علیه استبداد و استعمار و ظلم ستیزی به فعالیت پرداخت. جنبش اخوان توسط حسن البنا در سال ۱۹۲۸م در مصر تشکیل شد. اما هدف و اندیشه اخوان فراتر از مصر توسعه یافت و جنبه جهانی پیدا کرد و میان ملل و دول اسلامی رسوخ پیدا کرد. از جمله این کشورها عراق بود که پای اندیشه اخوان به آنجا رسید و جایگاه و مقامی در میان مردم این کشور پیدا کرد. این مقاله سعی بر آن دارد تا زمینه حضور جنبش اخوان و گسترش زمینه های فکری در عراق و کردستان عراق را، هرچند به صورت مختصر، مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

واژگان کلیدی: اخوان، عراق، محمد محمود صواف، صدیق عبدالعزیز.

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه تهران amanj_1356@yahoo.com

۱- اخوان و حضور در عراق

با فروپاشی خلافت اسلامی و دخالت دولتهای استعمار و بیگانه در امورات دولتهای اسلامی و رواج فرهنگ و اندیشه غربی، از جانب متفکران اسلامی فعالیتهای بر ضد این افکار و اندیشه غرب و بازگشت به دوران خلافت خلفای راشدین به انجام رسید. ابتداء امر جرقه این کار از سوی سید جمال الدین زده شد سپس از سوی یاران و پیروان فکری وی دنبال شد تا اینکه در قالب جنبش اخوان در مصر توسط حسن البنا در سال ۱۹۲۸م به صورت یک حزب شروع به کار کرد.

بعد از تاسیس اخوان فعالیتهای این جنبش در دیگر کشورهای اسلامی گسترش یافت. فکر و اندیشه اخوان از طریق فرستادگان به کشورهای اسلامی و تحصیلکرده های آنان در مصر که برای فراگیری دانش به آنجا آمده بودند صورت می گرفت. تحصیلکرده ها در مصر با اندیشه اخوان آشنا شده و در بازگشت به وطن خویش این اندیشه را به میان مردم می بردند و در واقع نماینده جنبش تلقی می شدند. راه دیگر نفوذ اندیشه اخوان به این کشورها از طریق کسانی بود که از جانب اخوان به کشورهای اسلامی فرستاده می شدند که این عامل در عراق مربوط است به اوایل سال ۱۹۴۰م که ابتدا از طریق مسافرت عده ای چون شیخ الاحمر به ناحیه بصره و در سال ۱۹۴۲م کسانی چون حسین کمال الدین و محمد عبدالحمید احمد به بغداد عراق آمدند و توانستند کسانی را به دور خود جمع کنند. همزمان با شکل گیری هسته اولیه اخوان در عراق مجله اخوان المسلمین که نشریه جنبش بود به عراق رسیده و در میان مردم پخش می شد، طوری که در موصل به صورت علنی به فروش می رسید. عامل دیگر محصلان و دانشجویانی بودند که برای ادامه تحصیل به الازهر مصر رفته و در آنجا با اندیشه اخوان آشنا می شدند. محمد محمود الصواف از جمله این افراد بود که در سال ۱۹۳۹م به الازهر رفت اما بر اثر شروع جنگ جهانی به عراق بازگشت. وی در شهر موصل به همراه عده ای از تجار در پی تشکیل شاخه ای از اخوان بود ولی دولت اجازه این کار را به وی نداد. صواف در سال ۱۹۴۳م با حمایت مالی یکی از تجار شهر به نام مصطفی صابونچی توانست بار دگر به مصر برود. وی در آنجا با البنا دیدار کرده و البنا ایشان را به عنوان یکی از اعضای

فعال معرفی نمود. در واقع به عنوان موسس جناح اخوان در عراق تعیین شد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۴ و بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۲-۷۱) زمانی که صواف مشغول تحصیل در الازهر بود فرستادگان اخوان در عراق به تبلیغ افکار اخوان می پرداختند. در سال ۱۹۴۵م حسین کمال الدین و محمد عبد الحمید به موصل رفته و از طریق شخصی به نام عبدالحمید احمد با تعدادی از روشنفکران و علمای شهر دیدار و گفتگو کردند. بدین شیوه فکر و اندیشه اخوان در میان مردم پخش شد و تعداد زیادی به عضویت اخوان درآمدند که در بین شهرها در موصل طرفداران زیادتری نسبت به شهرهای دیگر بدست آورد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۵) محمد صواف بعد از اتمام تحصیل در سال ۱۹۴۶م به عراق برگشته و بخاطر و عده ای که به البنا داده بود شروع به دعوت و تبلیغ نمود. با بازگشت وی منصب قاضی شرع از سوی وزیر عدل به وی پیشنهاد شد که این پیشنهاد از طرف وی رد شد. (بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۲) در این هنگام صواف اقدام به تشکیل گروه و انجمنی با نام اخوان المسلمین نمود که درخواست وی از سوی دولت مورد موافقت قرار نگرفت. در نهایت وی در دانشکده الشریعه امام اعظم بغداد به تدریس مشغول شد. صواف در آنجا به همراه کسانی چون امجد الزهاوی^۱ (شافعی، ۲۰۰۸: ۱۵۵) درخواستی را مبنی بر تشکیل "جمعیت آداب اسلامی" (الجمعیة الاداب الاسلامیة) تقدیم دولت کرد که این بار با درخواست موافقت شد و جمعیت مذکور در ۱۹۴۶/۱/۲۲م به صورت رسمی کار خود را شروع کرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۶) در این برهه زمانی قضیه فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل مورد توجه کشورهای اسلامی و مسلمانان قرار گرفته بود که در عراق هم جمعیتی به نام "الجمعیة الانقاذ الفسطين" در سال ۱۹۴۸م جهت کمک و حمایت از آن بوجود آمد (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۷) که این جمعیت هم به مکانی جهت دیدار و گردهمای اعضای اخوان تبدیل شد (مجله ثلاثی ئیسلام، العدد ۱ و پیشین، ص ۱۲) و صواف در هر دو گروه فعالیت می کرد، اما به دلیل اختلاف بر سر بعضی مسائل از جمعیت آداب اسلامی جدا شده و در ۱۹۴۹/۷/۱۳م به همراه امجد زهاوی جمعیت

^۱ امجد بن محمد بن سعید الزهاوی متولد ۱۸۸۳م در بغداد، تحصیلات را نزد پدرش و در مدرسه رشیدیة بغداد فرا گرفته و در سال ۱۹۴۶م همراه صواف جمعیت آداب اسلامی را تشکیل دادند. وی در سال ۱۹۶۰م فوت کرد.

الاخوة الاسلامیة (جمعیت برادران اسلامی) را تاسیس نمود. (بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۲ و سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۷). جمعیت برادران مسلمان توانست در عراق در جهت گسترش اندیشه اخوان نقش مهمی به نمایش گذاشته و دامنه نفوذ خود را به شهرهای کرکوک، اربیل، سلیمانیه، زاخو، دَهوک، رُمادی، بصره، موصل، تکریت و سامرا بکشاند. همچنین در مؤسسات آموزشی و دانشگاهها نفوذ پیدا کرده و طرفداران زیادی را به دور خود جمع نمود. جمعیت برادران اسلامی دارای نشریه "الاخوة الاسلامیه" بود که از طریق آن اندیشه و برنامه های اخوان را به آگاهی مردم می رساند. جمعیت برادران مسلمان در زمینه امور زنان نیز فعالیت داشت و جمعیه الاخوات المسلمة (جمعیت خواهران مسلمان) را تشکیل داد. اما فعالیت جمعیت در سال ۱۹۵۴م از سوی دولت متوقف شد. می توان گفت فعالیت اخوان در این دوره به عنوان دوره طلایی در عراق محسوب می شد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۸) از این زمان به بعد تا سال ۱۹۵۸م فعالیت اخوان به صورت مخفی بوده که همین عامل باعث کم رنگ شدن و به هم خوردن نظم اولیه آن شد. (مجله ثلای ئیسلام، العدد ۱، ص ۱۲) با انقلاب سال ۱۹۵۸م در روزنامه ها و مجلات اعلام شده بود که گروههای سیاسی فعالیت خود را متوقف کنند تا حکومت انقلابی بتواند زمینه بهتری را برای آنان بوجود بیاورد. دراین میان تنها اخوان به پیشواز اعلامیه فوق رفته و متوجه شد که تنها حزب فعال آن دوره می باشد. لذا فعالیت مخفیانه خود را دنبال کرده و از طریق مجله ها و نشریات اسلامی فعالیت کرده و مردم می دانستند که مطالب درج شده در آن مجلات از جانب اخوان می باشد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۳۸-۳۹ و بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۵). بعد از انقلاب سال ۱۹۵۸م احزاب چپ هم فعالیت خود را شروع کرده و از جمله آنان حزب کمونیست (الشیوعیه) بود که در جهت مخالف افکار اخوان قرار داشت. (شافعی، ۲۰۰۶: ۸-۱۵۷). حزب مذکور در سرکوبی قیام عبدالوهاب شواف در ژانویه ۱۹۵۹م در موصل علیه رژیم عبدالکریم قاسم نقش داشت که باعث کشته شدن تعداد زیادی از طرفداران اخوان شده و تعداد دیگری هم تحت تعقیب کمونیستها قرار گرفتند. با اعلام قانون جدید تشکیل احزاب از طرف حکومت جمهوری عده ای از اخوانیهای کهنه کار در صدد تشکیل حزب جدیدی برآمدند و خواسته خود را مبنی بر تشکیل حزب اسلامی عراق به حکومت ارسال کردند که مورد موافقت قرار گرفت. اما

بعد از مدت کمی دوبار از سوی دولت منحل شد. اخوان همچنان به فعالیت خود مشغول بود و در کودتای ۱۹۶۸/۵/۱۷م شرکت داشته و یک وزارت را هم بدست آورد ولی کمی بعد از جانب رژیم بعث تحت فشار قرار گرفته تا اینکه پس از صواف(بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۵) در دوران عبدالکریم زیدان- رهبر وقت جناح اخوان عراق - فعالیت اخوان در ۱۹۷۱/۴/۴م متوقف شد.(سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۴۰-۳۹)

در ارتباط با جنبش بیداری اسلامی و آمدن اندیشه اخوان به کردستان عراق نظر ملا بکر و محمد عمر عبدالعزیز مبنی بر اینست که این اندیشه توسط شیخ محمد صواف و امجد زهاوی وارد کردستان عراق شده است.(دیدار و مصاحبه با ملا بکر و محمد عبد العزیز، سلیمانیه، ۱۵ و ۱۶/۱۰/۲۰۰۸)

صدیق عبد العزیز رهبر خط دو اخوان هم اشاره بر این دارد که "فکر اخوان در سال ۱۹۵۲م از طریق امجد زهاوی و محمد صواف وارد کردستان و ناحیه حلبچه شده؛ وی در این باره می گوید؛ با آمدن آن دو به حلبچه برادرم - ملا عثمان- با آغوش باز آنان را پذیرفت که این دیدار بیشتر جنبه روحی و ادبی به خود گرفته بود نه حالت رسمی و اداری".(عبدالله، ۲۰۰۸: ۵) وی آغاز فعالیت رسمی اخوان را در دهه ۶۰ میلادی (۱۹۶۲م به بعد) دانسته که خود ایشان هم در کارهای مخفیانه اخوان در ناحیه کرکوک و حلبچه نقش داشته است و در این سال (۱۹۶۲م) به صورت رسمی به عضویت اخوان در آمده و در طی سفر صبحی داوودی (از اعضای اخوان در بغداد) به کردستان ایشان به عنوان سرپرست اولین جناح اخوان در حلبچه تعیین شد.(عبدالله، ۲۰۰۸: ۷-۴) در مورد شکل گرفتن جناح اخوان به سرپرستی صدیق عبد العزیز صبحی داوودی آن را در سال ۱۹۶۰م ذکر کرده است.(سیوه یلی، ۲۰۰۶م: ۵۴) در حالی که صدیق عبدالعزیز این عمل را مربوط به سال ۱۹۶۲م دانسته است.(عبدالله، ۲۰۰۸: ۶). در این میان به نظر می رسد نظر ملا صدیق با توجه به اینکه خود رهبر این جناح بوده به واقعیت نزدیکتر باشد.^۱ درباره تاریخ آمدن صواف و زهاوی به کردستان وحدت نظر وجود ندارد، ملا

۹
—
—

^۱ قابل ذکر است که قبل از این به عضویت اخوان درآمده بود اما در این سال به صورت رسمی از سوی شاخه مرکزی واقع در بغداد به عنوان مسئول اخوان در کردستان عراق تعیین شد.

صدیق تاریخ آن را سال ۱۹۵۲م ذکر کرده است. (عبدالله، ۲۰۰۸: ۴) در حالی که ملا عثمان عبدالعزیز زمان آمدن آنها را در سال ۱۹۵۴م دانسته (جه ماوه ر، ژ ۳۲، ص ۶) که بازیانی هم این زمان را تایید کرده است. (بازیانی، ۲۰۰۶م: ۹۱) بدین ترتیب با سفر محمد صواف و امجد زهاوی در سال ۱۹۵۴م و در طی ملاقات آنها با کسانی چون عثمان عبدالعزیز و برخی دیگر از عالمان ناحیه حلبچه، باعث شد افراد زیادی به عضویت اخوان درآیند. در قالب این سفرها اخوان اقدام به انجام فعالیتهای فرهنگی و آموزشی کرد، از جمله در تابستان سال ۱۹۵۴م دو کمپ آموزشی و ورزشی در محلی به نام "سواره تووکه" و دیگری در نزدیک روستای "بامه رنی" بر پا کرد. هر چند که در این سال (۱۹۵۴م) فعالیت اخوان ممنوع شده بود اما طرفداران آن بصورت مخفی به فعالیت خود ادامه دادند. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۴۹)

۲- فعالیت اسلام گراها در دوران حکومت جمهوری^۱

بعد از انقلاب سال ۱۹۵۸م فعالیت اسلام گراها در نوسان بود. در این زمان جمعیتی با نام جمعیه رجال الدین الاحرار فی سلیمانیه (جمعیت آزاد مردان دینی در سلیمانیه) تشکیل شد که هدف خود را فعالیت در امور دینی بیان داشته و از فعالیت حزبی و سیاسی پرهیز می کردند. با دخالت کمونیستها (الشیوعیه) در اداره کشور و ضدیت آنها با مسلمانان در سال ۱۹۵۹م در حلبچه تظاهراتی علیه آنان انجام گرفت که منجر به درگیری اسلام گراها با کمونیستها شد و کار به جای رسید که عالمان دینی کردستان فتوای مبنی بر کافر بودن آنان و عدم معامله و ازدواج با آنها را صادر کنند. فتوای مذکور باعث شد که حکومت ملا عثمان و عمر بن عبدالعزیز را به ناصریه تبعید کند. (شافعی، ۲۰۰۸: ۱۵۹-۸) از فعالیتهای دیگر اعضا اخوان در کردستان شرکت تعدادی از عالمان دینی گرد در کنگره حزب اسلامی عراق در سال ۱۹۶۰م در بغداد بود که ملا عثمان

^۱ این دوران از انقلاب ۱۹۵۴/۱/۱۴م با به حکومت رسیدن عبد الکریم قاسم شروع شد. وی بدست حزب بعث کشته شد و بعثی ها حکومت را با ریاست عبد السلام عارف دنبال کرده تا اینکه بعد از ۳۰ سال در اثر سقوط هواپیما وی نیز در ۱۹۶۶م کشته شد. در ادامه برادرش عبدالرحمن عارف جانشین وی شد اما با انجام کودتای احمد حسن البکر حکومت را تا سال ۱۹۷۹م بدست گرفت تا اینکه صدام حسین وی را از کار برکنار کرده و حکومت جمهوری با کنار رفتن احمد حسن بکر به پایان رسید. (شافعی، ۲۰۰۸: ۱۵۹-۸)

عبدالعزیز، ملا عمر عبد العزیز و شیخ جمیل مفتی در آن شرکت داشتند. (شافعی، ۲۰۰۸: ۱۵۹-۸) و در این سال بود که جناح اخوان در کردستان و ناحیه حلبچه رسمیت یافت و ملا صدیق عبد العزیز به عنوان مسئول آن در حلبچه تعیین شده و افراد سرشناس دیگری چون عمر ریشاوی^۱ و عبدالعزیز پاره زانی^۲ به عضویت اخوان در آمدند. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۵۴)

به طور کلی فعالیت اخوان در دهه ۶۰ روند صعودی داشت و افراد زیادی در شهر های حلبچه، اربیل، سلیمانیه و کرکوک به عضویت اخوان در آمدند. اما این روند از جانب دولت متوقف شده و در مورخه ۱۹۷۱/۴/۴م بصورت علنی فعالیت آن ممنوع اعلام شد. اخوانیها دوباره فعالیت مخفیانه خود را از سر گرفتند و به اشکال مختلفی چون نشست هفته ای میان اعضای گروه، مراسمهای به مناسبت سالروز ولادت پیامبر(ص)، شبهای قدر، نماز شب به صورت جماعت و ... به انجام می رسید. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۵۷-۵۶)

در کنار این اعضای اخوان از نوشته های سید قطب، حسن البنا، ابوالعلاء المودودی و مجلات اخوان نیز بهره می بردند. فعالیت اخوان در این دوره با تغییرات زیادی مواجه شد مخصوصاً در رابطه با مسئله کردها که اخوان نظر سلبی داشت. علی رغم این عالمان دینی عضو اخوان در این مورد ساکت ننشسته و کسانی چون ملا عثمان عبد العزیز در سفری که به قصد دیدار با عبد الکریم قاسم داشت (۱۹۶۱م) هر چند که موفق به دیدار با آن نشد ولی در طی یادداشتی که برای آن فرستاد وی را مورد انتقاد شدید قرار داده (نالای ئیسلام، العدد ۳، ص ۱۵) و در مقابل اظهار نظر عبد الکریم قاسم که گفته بود کردها در عراق میهمان هستند و بایستی به سرزمین خودشان برگردند طی نامه ای از وی خواسته بود که در سایه قرآن و عراقی متحد بایستی به وضعیت کردها پرداخته شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۳۵) ملا عثمان و عده ای دیگر از عالمان دینی به ایجاد اتحادیه



^۱ عمر فتاح یعقوب معروف به ریشاوی متولد ۱۹۳۳م در روستای ریشاوی بعد از اتمام تحصیل در مدارس دینی حلبچه به تدریس مشغول شد. وی از اعضای قدیمی اخوان بوده و عضو اصلی گروه اتحاد اسلامی در کردستان عراق بود که در سال ۱۹۹۴م شکل گرفته بود. وی در ۲۰۰۱/۱۰/۱۸م فوت کرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۸: ۵۴)

^۲ عبدالعزیز بن شیخ امین شیخ احمد متولد ۱۹۲۸م در روستای پاره زان از توابع شاربایزیر بعد از دریافت اجازه علمی به کار نویسندگی مشغول بوده و در ۱۹۷۶م فوت کرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۸: ۵۴)

عالمان دینی کردستان (در ۱۹۷۱م) در جهت خدمت به وطن خویش و در طی دیدار با ملا مصطفی بارزانی که آن زمان رهبر کردهای معارض دولت عراق را به عهده داشت، اقدام کرد که ملا مصطفی با آن موافقت کرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶م: ۵۸). این فعالیتها هرچند که از جانب اعضای اخوان صورت می گرفت اما در پاره ای از امور از چهار چوب فکری اخوان پا فراتر گذاشته و به مسائل داخلی کردستان هم توجه می کردند.

۳- فعالیت اسلام گرایان قبل از حضور اخوان المسلمین در کردستان عراق

قبل از شروع فعالیت اخوان در کردستان عراق و گسترش دامنه نفوذ آن به این ناحیه فعالیتهای پراکنده ای از جانب عده ای از اسلامگرایان دنبال می شد. اما هیچ یک از آنها نتوانستند در قالب یک جنبش و به صورت وسیع و گسترده تداوم یابند و تنها با آمدن اندیشه اخوان بیداری اسلامی در کردستان چهره خود را آشکار کردند. محمد بازیانی در اینباره می گوید: "اگر بخواهیم به یک قرن پیش برگردیم می بینیم که جمعیت اتحاد و ترقی در کودتای علیه سلطان عبدالحمید در سال ۱۹۰۸م وی را از کار برکنار نمودند. به دنبال آن عده ای از مردم مسلمان به این فکرافتادند که اینان می خواهند اسلام را کنار نهاده و جامعه را به سوی غرب بکشند، طبق همین ایده و بعد از ۵ سال محمد داغستانی در سال ۱۹۱۳م اقدام به تشکیل یک حزب اسلامی کرد. از طرفی دیگر تعدادی از افسران عثمانی ساکن در سلیمانیه نیز در سال ۱۹۱۹م یک حزب اسلامی تشکیل دادند که در آن زمان عده ای از طرفداران شیخ محمود حفید^۱ نیز آنان را همراهی نمودند. (شافعی، ۲۰۰۸م: ۱۳)

همچنین در سال ۱۹۳۹م جمعی از روشنفکران از جمله شیخ محمود و شیخ سلام بارزانی^۲ (شافعی، ۲۰۰۸م: ۲۲) تلاش کردند که اسلام دوران عثمانی دوباره در کردستان

۱. شیخ محمود حفید فرزند شیخ سعید کاک احمد شیخ، معروف به نودیبرزنجی رهبر عشایر برزنجی، متولد ۱۸۸۱ در سلیمانیه بود که دروس حوزوی را به اتمام رسانده و دارای مشرب صوفی گری نیز شد. وی به زبان عربی، فارسی و ترکی اشراف داشت و در جنگ جهانی اول علیه انگلیسیها اعلام جهاد نمود. (۱۹۱۵) بعدها با اعلام حکومت عراق، وی به ملک کردستان تعیین شد و در سال ۱۹۵۶ فوت کرد. (شافعی، ۲۰۰۸: ۱۳)

۲. شیخ سلام بارزانی فرزند شیخ محمد شیخ عبد السلام عبدالله رئیس یکی از قبایل وطایفه بارزانی ها در سال ۱۹۱۸م علیه حکومت ترکها قیام کرده در سال ۱۹۲۴م در شهر موصل دستگیر و اعدام شد. (شافعی، ۲۰۰۸: ۲۲)

عراق از سر گرفته شود لذا در این زمینه در کردستان عراق و ایران فعالیتهای صورت گرفت که همه آنها در جهت از سرگیری قدرت و خلافت اسلامی و برپایی شریعت و آیین اسلامی قبل از حضور اخوان به انجام رسید. همچنین تلاشهایی در سال ۱۹۲۷م برای تشکیل یک حزب اسلامی انجام گرفت و محاکمه شیخ سعید پیران در سال ۱۹۲۴م از سوی دولت وقت در ترکیه که ایشان هم بر وجود دولت اسلامی و بر پای شریعت اسلامی تاکید داشتند از دیگر فعالیتهای اسلامگرایان کرد به حساب می آید. (مصاحبه با محمد بازبانی، ۲۰۰۸م، اربیل)

از سوی دیگر فکر و اندیشه سید جمال و یارانش در کردستان نفوذ پیدا کرده و قبل حضور اخوان چهره خود را آشکار کرده بود. از اولین کسانی که با این اندیشه آشنا شده و به فعالیت پرداختند باید از کسانی چون محمد بن عبدالله بن اسعد کویبی (مه لای گه وره ی کویه ۱۹۴۳-۱۸۷۶م) (روزنامه ی کومه ل، ۲۰۰۷: ۲۵۴) محمدخال (۱۹۰۴-۱۹۸۹م) نام برد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۲۳) همچنین در حلبچه در سال ۱۹۴۳م عبدالله بگ بن احمد بگ (شاهوی شاعیر ۱۹۷۱-۱۸۸۲م)^۲ و محمد سعید بگ (۲۰۰۲-۱۹۰۴م) یک حزب اسلامی تشکیل دادند که بیشتر از دو سال عمر نکرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۲۳).

۴- فعالیت اخوان از دهه ۴۰ تا ۶۰ قرن ۲۰م در کردستان عراق

اگر چه اخوان در طول دهه های ۴۰ تا ۶۰ قرن ۲۰ م در کردستان عراق فعالیت گسترده ای داشت اما در واقع موفقیت زیادی به دست نیآورد که می توان دلایل آن را به شرح زیر اشاره کرد.

۱. شیوه کاری اخوان؛ اخوان نتوانسته بود در میان تمامی قشرهای جامعه نفوذ کنند و تنها در میان طبقه عالمان دینی و افراد سرشناس و عده ای از دانشجویان فعالیت می

۱۰

^۱. محمد خال، محمد ابن علی متولد ۱۹۰۴م در سلیمانیه بعد از دریافت اجازه فتوی به نوشتن روی آورده، مفسر و ادیب بوده و دارای ۱۱ اثر بوده و ۲۸ سال منصب قضاوت داشته و در ۱۹۸۹ فوت کرد. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۲۳)

^۲ شاهوی شاعیر، ملا حسن قاضی فرزند ملا عبدالقادر متولد ۱۸۸۲م در بیاره، بعد از دریافت اجازه فتوی به نوشتن روی آورده، شاعر ادیب و مفسر بوده چند سال منصب قضاوت داشته، به زبان کردی، عربی و فارسی مسلط بوده و در سال ۱۹۷۱م فوت کرده است. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۲۳)

کردند و این عمل مورد تایید محمد صواف بود در حالیکه این اقشار تنها درصد کمی از جامعه آن زمان را شامل می شد.

۲. فعالیت اخوان در عراق نسبت به سایر کشورها اسلامی دیرتر آغاز شده بود حتی رهبران اخوان به این قناعت رسیده بودند که عراق از جمله کشورهای خواهد بود که در مراحل زمانی بعدی در آنجا به فعالیت خواهند پرداخت که این ایده در میزان فعالیت اعضا اخوان در عراق تاثیر گذار بود.

۳. فعالیت اخوان در عراق تحت رهبر محمد صواف کار خود را آغاز کرده بود که ایشان به صورت انفرادی کار می کرد و می خواست تمام فعالیتها زیر نظر وی انجام گیرد و همین امر باعث کناره گیری عده ای از اخوان گردید. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۲۳)

۴. تضاد فکری و اختلاف سلیقه بین صواف و اعضاء جمعیت آداب اسلامی باعث کنار گیری وی از آن جمعیت و تاسیس جمعیت برادران مسلمان شد که در آنجا نیز بین اعضاء اختلافاتی وجود داشت. رفتار و اندیشه صواف مورد قبول قشر جوان نبود و آنان خواهان اعمال شدید بر ضد حاکمان دولت بودند و کار به جایی رسید که مخالفان صواف نامه اعتراض آمیزی به مصر فرستادند که منجر به برکناری صواف در سال ۱۹۵۹م و جانشینی عبدالکریم زیدان شد و زیدان هم راه صواف را دنبال کرد. (بازیانی، ۲۰۰۶: ۷۵)

۵. با اینکه فعالیت اخوان در عراق دیر شروع شده بود اما رهبران اخوان مخصوصاً صواف می خواستند به سرعت به آنچه که می خواهند دست پیدا کنند و در تظاهرات علیه رژیم اسرائیل و برخی دیگر از امورات سیاسی وارد صحنه شدند که منجر به دستگیری اعضاء اخوان و کشته شدن تعدادی از آنان گردید در حالی که در این زمان اخوان طرفداران کمی داشت. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۶۰-۵۹).

۶. رهبران اخوان از اوضاع عراق با خبر نبودند و سیاست مقابله با آن را نداشتند و در پاره ای از مواقع حالت بی طرفی به خود می گرفتند، از جمله در انقلاب سال ۱۹۵۸م بی طرف بودند در حالیکه جوانان اخوان در آن شرکت داشتند. در انتخابات سال ۱۹۵۷م که تمام گرو های مخالف آن را تحریم کرده بودند صواف نامزد انتخاباتی شد و همین دوگانگی فکری مانع موفقیت اخوان گردید.

۷. در زمان حکومت پادشاهی در عراق اخوان فعالیت سیاسی نمی کرد اما بعد از انقلاب سال ۱۹۵۸م و شکل گیری حزب کمونیست، اخوان علیه آنان اقدام کرده که باعث اعتراض مردم شد که چرا اخوان قبلاً چنین کاری نمی کرده است.

۸. در ارتباط با مسئله کرد اخوان برنامه مشخصی نداشت. مردمی که در ابتدای قرن ۲۰م مورد ظلم و ستم واقع شده بود و با آغوش باز از اندیشه اخوان پذیرای کرده بود. اخوان برای مردم فلسطین و الجزایر به جمع آوری کمک اقدام می نمود اما نسبت به مسئله کردها از خود عکس العملی نشان نمی داد؛ حتی در یک بیانیه هم اقدامات انجام شده بر ضد مردم کُرد را محکوم نکرده بود.

مجموعه اقدامات فوق باعث کاهش نفوذ اخوان در کردستان عراق شد چرا که کُرها می دیدند اخوان به کمک و پشتیبانی از مردم فلسطین و الجزایر که کیلومترها از آنان فاصله دارند پرداخته، اما کُرها که در چند قدمی آنان بوده و زیر ظلم و ستم بودند را نادیده گرفته و به آنها اهمیت نمی دهد. حتی زکاتی که از مردم کردستان دریافت می شد به جای رسیدن به دست فقرای منطقه به کشورهای دور دست فرستاده می شد. شکل گیری حزب اسلامی عراق در بغداد هم برای کردها ثمره ای به دنبال نداشت و هر گونه تلاش در جهت آزادی از دست رژیم را نفی می کرد. لذا دور شدن از فعالیت سیاسی و جهادی و با توجه به موقعیت عراق موجب شد کسانی چون ملا عثمان عبد العزیز از اخوان کناره گیری کنند و در جهت برآوردن نیازهای مردم مسلمان کُرد و در سایه شریعت اسلامی به جهاد و مبارزه بپردازند که جنبش مصلحانه جزء برنامه های اخوان در کردستان عراق نبود. (سیوه یلی، ۲۰۰۶: ۷۶-۶۱)

نتیجه گیری:

فرو پاشی امپراطوری اسلامی، دخالت دولتهای بیگانه و فکر و اندیشه غربی و نیز حضور مسیحیت باعث شد تحولات فکری و اندیشه در بین انیשמندان اسلامی با هدف مبارزه با ظلم و ستم و مبارزات فکری و فرهنگی و بازگشت به خویشتن شکل گیرد. فکر بیداری و وحدت بین مسلمین از سوی سید جمال الدین در بین ملل اسلامی بو جود آمد. سپس با گذشت زمان این اندیشه با نگرشی دیگر در جنبش اخوان المسلمین نمود

پیدا کرد. جنبشی که بر گرفته از شرایط سیاسی و اجتماعی مصر و حضور بریتانیا تاسیس شده و طولی نکشید خارج از حوزه مصر نیز رشد و توسعه پیدا کرد و جنبه جهانی به خود گرفت. جنبشی دینی سیاسی و اجتماعی که از فعالیت نظامی دوری کرده و همین باعث توسعه آن در بین ملل اسلامی شد و رشد جهانی گرفت. امروزه حضور اندیشه اخوان در بین ملل اسلامی دال بر این واقعیت و زمینه فکری و سیاسی آن می باشد که شاهد حضور آن از جمله در عراق و قسمت کردستان عراق بوده هر چند جایگاه و پایگاهی برای این جنبش کسب کرده است اما در کردستان عراق با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی عراق و پرهیز از فعالیت نظامی نتوانست آنگونه که باید و شاید موفقیت بدست آورد.

منابع و ماخذ:

۱. سیوه یلی، ئیدریس، ره وتی ئیسلامی له باشوری کوردستان (۱۹۹۱-۱۹۴۱) چاپخانه گه نج، بی شوین، چاپی یه که م، ۲۰۰۶.
۲. البازيانی، محمد، مستقبل الحركة الاسلامیة فی کوردستان العراق، مکتبةالتفسیر، اربیل، الطبعة الاولى، ۲۰۰۶.
۳. شافعی، احمد، گوزه ریک به ژیان وتی کوشانی ماموستا ملا عثمان، وه رگیرانی ناصح محمد شارباژی، چاپخانه په یف، بی شوین، ۲۰۰۸.
۴. دیدار و مصاحبه با ملا بکر و محمد عبد العزیز، سلیمانیه، ۱۵/۱۶/۱۰/۲۰۰۸
۵. گو فاری ریگا، ژماره ۴، ۲۰۰۸.
۶. ابراهیمی، انور، جنبش اسلامی در کردستان عراق (باسک)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه تاریخ، استاد راهنما، غلامرضا ظریفیان، ۱۳۸۸.
۷. مصاحبه با دکتر محمد بازيانی، مسؤول رسانه های گروهی و ارتباطات جمعی و عضو دفتر سیاسی باسک، دفتر سیاسی باسک، اربیل، ۲۱/۱۰/۲۰۰۸
۸. روژنامه ی کومه ل، ژ ۲۵۴، به شی ئه دب بو هونه ر، شه ممه، ۱/۶/۲۰۰۷-
۱۴۲۷/۱۲/۱۷.
۹. گو فاری جه ماوه ر، ژ ۳۲.
۱۰. مجله ئالای ئیسلام، العدد ۱ و ۳.